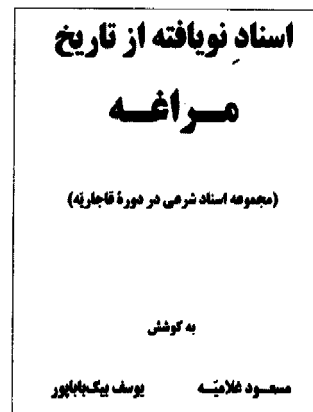


معرفی‌های اجمالی

اسناد نویافته از تاریخ مراغه: مجموعه اسناد حکومتی دوره قاجاریه؛ به کوشش مسعود غلامیه و یوسف بیگ باباپور؛ چاپ اول، قم: مجمع ذخائر اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۲۶۵ ص.



در قالب یکی از ساده‌ترین تعاریف، کردارها، حرکات اجتماعی و سیاسی انسان را با قید زمان در بستر جغرافیایی، «تاریخ» می‌نامند، و تاریخ‌نگاری بر پایه همین تعریف ساده نیز فعالیتی است دقیق، دشوار و در عین حال سترگ با شناسنامه‌ای مشخص که بر اساس حقیقت‌جویی، دانش گسترده و همتی بلند می‌طلبند. متأسفانه دیربازی است این کار سترگ به دلایل گوناگون، غالباً آلوده به شائبه‌ها، گرایش‌ها و گاه غرایض خاصی بوده است، و چه بسیار کسانی که بر این عرصه به دلیل تساهل و شتابزدگی، داعیه‌هایی نادرست داشته‌اند و امر تاریخ‌نگاری را از زاویه‌ای تنگ نگریسته‌اند. شاید یکی از علل ناتوانی برخی از تاریخ‌نگاران معاصر کشورمان که به رغم بعضی کوشش‌ها و اهداف نیک، در زمینه ثبت و نگارش وقایع جامع تاریخی و

رویدادهای سرنوشت‌ساز حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در نیم قرن گذشته ناکام مانده‌اند، عدم دسترسی به انبوه اسناد و مدارک معتبر بوده است. بی‌گمان نگارش تاریخ عمومی هر دوره از حیات یک ملت، بدون بهره‌گیری دقیق و وسیع و بی‌دغدغه از اسناد و مدارکی که معمولاً به سادگی و سهولت در دسترس تاریخ‌نگار قرار نمی‌گیرد، کاری است ناقص، نارسا و ناتمام. در یک کلام، بی‌بهره ماندن از اسناد و مدارک متنوع در هر زمینه، مورخ را گرفتار برداشت‌ها و تلقی‌های نادرست می‌کند و چه بسا که او را از مسیر حقیقت دور سازد.

اسناد تاریخی، به همه مدارکی گفته می‌شود که ارتباط بی‌واسطه‌ای با تحولات گذشته و جاری کشور دارند و در درونشان بخشی از مسائل و واقعیات تاریخی نهفته است؛ مانند دستورالعمل‌ها، فرمان‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، انتصابات، مذاکرات، دیدارها و ...، و از آنجا که اسناد در زمان نگارش خود عمدتاً به قصد اداری، سیاسی و اجرایی تهیه شده‌اند و اساساً استفاده‌های تاریخ‌نگارانه‌شان مدنظر نبوده، اطلاعات موجود در آنها غالباً پراکنده و از هم گسیخته است که باید در پیوند با سایر منابع تاریخی تکمیل شوند تا حلقه‌های مفقوده منابع دیگر، تکمیل گردد.

برای کمک به توسعه پژوهش‌های تاریخی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و به منظور تدوین و در دسترس قرار دادن منابع دست اول وقایع و رویدادها، انتشار اسناد دولتی و حکومتی، اهمیت شایان توجهی دارد. این امر علاوه بر آنکه به تحلیل دقیق حوادث و رخدادها با رویکرد

تاریخی کمک می‌کند، بیانگر عملکرد و نحوه نگرش نهادها و سازمان‌های دولتی و افراد مسئول و ناظر بر واقعه مورد نظر و یا حاضر در متن رویدادهاست و دسترسی به مکاتبات و نگرش‌های خام و به دور از پیش‌داوری را امکان‌پذیر می‌سازد.

دسترسی پژوهشگران و محققان به این گونه اطلاعات، می‌تواند به نقد نظریه‌هایی که در منابع مختلف تاریخی ارائه شده، کمک نماید و گاهی در راستای تحلیل واقع‌گرایانه و تعقلی در حوزه پژوهش‌های تاریخی باشد. با انتشار اسناد در موضوعات مختلف، امکان دسترسی محققان به این اطلاعات ارزشمند فراهم می‌شود و منابعی مستند و دست‌اول در اختیار اهل قلم و تحقیق قرار می‌گیرد.

کتاب اسناد نویافته از تاریخ مراغه، با ارائه ۲۶۰ سند رسمی و حکومتی حاکمان مراغه و آذربایجان در دوره قاجاریه - که تمام اسناد برای اولین بار در این کتاب ارائه شده - گامی است در مستندنگاری تاریخ آذربایجان که ممکن است بسیاری از زوایای تاریک این برهه از تاریخ را که به دلیل اتفاقات متواتر سیاسی و اجتماعی در آن، بسیار حائز اهمیت است، روشن کند.

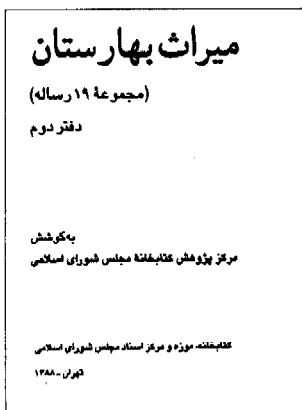
اسناد ارائه شده در این کتاب، اغلب از حاجی صمدخان شجاع‌الدوله (ملقب به سعیدالملک) که مدتی حاکم مراغه، ساوجبلاغ و تبریز و سپس والی آذربایجان بوده است، همچنین ضیاءالملک (حاکم مراغه)، فرمانفرما (والی آذربایجان) و احتشام‌الملک است. یک سند نیز از مظفرالدین شاه قاجار در این کتاب ارائه شده است.

به هر حال با عنایت به کمبود کتاب و یادداشت‌های معتبر و مستند درباره برخی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی، اجتماعی، تاریخ شهرمان در دوره قاجار، سند‌های ارائه شده در این کتاب می‌تواند روشنگر بسیاری از مسائل سیاسی، اجتماعی شهر مراغه و آذربایجان در آن دوره باشد. ویژگی بارز اسناد گردآوری شده در این کتاب، «دولتی و رسمی» بودن آنها و گاه «محرمانه» بودن برخی از آنهاست، که اکنون به لطف گذر زمان و تحولات تاریخی، نه دولتی و رسمی‌اند، و نه دیگر محرمانه.

شاید بتوان گفت انتشار این اسناد گامی است در جهت خدمت به پژوهشگران و تاریخ‌نگارانی که می‌توانند همتی بلند به خرج داده، تاریخ مستقل و عمومی معاصر ایران را تدوین کنند و این مجموعه که اسناد آن برای اولین بار منتشر می‌گردد، می‌تواند زوایای تاریک برخی از حوادث این برهه از تاریخ آذربایجان را بر پژوهندگان آشکار سازد.

افسانه‌حصیری

میراث بهارستان (مجموعه ۱۹ رساله)، به کوشش مرکز پژوهش کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸، دفتر دوم، ۱۰۳۸ صفحه.



از داشته‌های ارزنده کشور فرهنگی ما، متونی است در رشته‌های مختلف دانش‌های کلاسیک که به دستمان رسیده و برماست هر اندازه می‌توانیم از آنها تصحیح و منتشر کنیم. خوشبختانه رئیس فعلی کتابخانه مجلس سخت به این امر واقف است و به واقع بیش از حد توان، پیگیر ماجرا. او «میراث بهارستان» را در دوره ریاست خود جایگزین «گنجینه بهارستان» (مجموعه مقالاتی که هر دفتر آن به موضوعی خاص، مانند ادبیات فارسی، ادبیات عرب، علوم قرآنی، حکمت، علوم و فنون و تاریخ داشت) نمود تا به سرعت انتشار این مجموعه - که پیشتر هر چند سال یک بار نشر می‌یافت - کمک کند، و الحق و الانصاف چنین شد. ناگفته نماند که سرعت گرفتن کار، شاید به کیفیت تصحیح‌ها لطمه وارد کند و گروهی را که جاه طلبانه به دنبال افزایش بسامد نام خود در پایگاه‌های آماری هستند، برانگیزد تا هر چند روز یک بار مستنی را به «زُخرف» چاپ بیالایند؛ اما حتی برای علاقه‌مندان مکتب دقت نیز، چنین مجموعه‌هایی حاوی حداقل یکی دو رساله ارزنده (از نظر روش کار) است و این در روزگاری توجیهی به موارث، خود گنجی است پراج.

میراث بهارستان تازه، به عالم شهید، ثقة‌الاسلام تبریزی تقدیم شده که خود از بزرگان فرهنگ و کتابشناسان نامی معاصر به شمار می‌رفته و رساله نخست این دفتر نیز از اوست. محتویات این دفتر به شرح زیر است:

- الايضاح الانباء فی تعيين مولد خاتم الانبياء ومقتل سيد الشهداء، نگاشته ثقة‌الاسلام علی بن موسی بن محمد شفیع خراسانی تبریزی (۱۲۷۷-۱۳۳۰ ق)، به کوشش رسول جعفریان، ص ۲۹-۱۱۵.

به نوشته مصحح رساله، «هدف اصلی این رساله، اثبات این نکته است که ولادت رسول اکرم (ص) هفدهم ربیع الاول است...». داستان از این قرار است که مرحوم کلینی در کافی، ولادت رسول خدا (ص) را در ۱۲ ربیع الاول دانسته، در حالی که از شیخ مفید به بعد، تاریخ ولادت، ۱۷ ربیع عنوان و میان علما پذیرفته شده است. بحث یادشده ضمن بحث های تقویمی که زمان صفویه درباره نوروز نوشته شد، بار دیگر طرح گردید (ص ۳۳). چند نکته حاشیه ای دیگر در کنار اثبات این تاریخ، باب نخست رساله را تشکیل می دهد. باب دوم هم که خود رساله ای مستقل است، به تعیین روز عاشورا در ایام هفته اختصاص یافته است.

- بهارنامه، تصنیف عبداللّه بن فضل اللّه ابن ابی نعیم شیرازی و صاف الحضرة (۶۶۳-۷۳۰ ق)، تحقیق و تصحیح علیرضا قوجه زاده، ص ۱۱۹-۱۶۲.

رساله ای نویافته از و صاف شیرازی، صاحب تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار (معروف به تاریخ و صاف) است که تا کنون در منابع و فهرست های نسخه های خطی، نامی از آن نبوده و از یافته های اخیر به شمار می رود. از این رساله نسخه ای یگانه در کتابخانه ایاصوفیا به شماره ۲۶۲۰ (برگ های ۵۴-۶۳) محفوظ است که در سال ۸۷۴ ق کتابت شده است. «وصاف در این رساله، در نهایت حیرت از عالم طبیعت و رفتارها و عکس العمل های غیر معمول اطرافیان... از بیدادگری ها و ستمگری های دوران و از بی نظمی و آشفتگی هایی که حتی بر افلاک و افلاکیان سرایت کرده... ناله سر می دهد و با بلبلی درباره عالم مجازی و صوری و حقیقی به بحث و جدل می پردازد، که این مباحثه سرانجام پس از فراز و نشیب فراوان به مدح و ستایش صدر جهان، احمد خالدی زنجانی منجر می شود» (ص ۱۲۳).

- نزّهة العشاق، نگاشته عثمان بن حاج بله (سده ۸۷ ق)، تصحیح فاطمه شاملو، ص ۱۶۳-۲۱۴.

عثمان فرزند امین الدوله حاج بله است که پدرش حاج بله، صوفی، مفسر، اصولی و فقیه سده ۷ و ۸ ق و استاد ابوالمجد تبریزی (کاتب و جامع سفینه تبریز) است. از احوال عثمان چیز زیادی نمی دانیم، اما سرگذشت علمی حاج بله را می توان از خلال سفینه تبریز و چند سند دیگر ترسیم کرد. به نوشته مصحح در مقدمه بسیار مختصر و ناقص رساله، از این اثر سه تحریر متفاوت باقی است که یکی از آنها پیش از این چاپ شده است. تحریری که اکنون عرضه شده، از روی کهن ترین نسخه

تاریخدار آن مورخ ۷۸۹ ق است.

- لطایف ملاجعفری خروس باز، تألیف محمدحسن (در سال ۱۳۰۵ ق)، پژوهش و ویراست بهروز ایمانی، ص ۲۱۵-۲۳۷.

لطایف و اقوالی است از ملاجعفری خروس باز، معاصر و جانمازدار و حتی به روایتی برادرزن علامه مجلسی که پس از سال ها کسب فضایل و علوم زمان، آنها را یکسره رها می کند و به خروس بازی رومی آورد. این رساله را شخصی در سال ۱۳۰۵ مکتوب کرده و از روی نسخه منحصر به فرد آن، در کتابخانه ملی برای بار دوم (نخستین بار چاپ شده توسط حسین نوربخش، در اصفهانیه های شوخ و حاضر جواب) تصحیح شده است.

- لب الخیر، نگاشته نجم الدین اسکندر آملی (سده ۱۱ ق)، به کوشش فرشته کوشکی، ص ۲۴۱-۳۲۲. «لب الخیر یک تاریخ عمومی مختصر در ۱۴۴ صفحه از نویسنده ای با نام نجم الدین اسکندر» آملی زیسته در هند در سده ۱۱ ق است. مصحح با جستجو در فهرست نسخه های خطی، نشانی چند اثر او را داده و در پایان اعلام کرده است که از این اثر تاریخی موجز، تنها یک نسخه در مجموعه محدث ارموی در مرکز احیای قم موجود است که مبنای تصحیح قرار گرفت. مؤلف این کتابچه، سال ۱۰۸۳ ق را درک کرده و از شاه سلیمان صفوی هم یاد می کند و «انتظار آن بوده است تا از صفویان اطلاعات بیشتری بدهد که نمی دهد» (ص ۲۴۸).

- تاریخ شاه اسماعیل صفوی، نگاشته امامقلی میرزای قاجار (از دانشوران دوره قاجار)، تصحیح سیدسعید میرمحمد صادق، ص ۳۲۳-۴۰۴.

کتابی است از امامقلی میرزا فرزند بدیع الزمان میرزا (از نوادگان فتحعلی شاه) که به سفارش برادر فاضلش، نادر میرزا قاجار نگاشته شده است. کتاب، از احوال اجداد شاه اسماعیل (با سرآغازی سلطان جنید) تا جلوس شاه طهماست بر تخت سلطنت را دارد. اساسی ترین منبع نگارش امامقلی میرزا، کتاب احسن التواریخ روملو است. تصحیح این رساله بر مبنای نسخه یگانه مجلس به شماره ۶۳۱۴ صورت گرفته است.

- سالشمار کوهگیلویه و بهبهان (۱۱۷۰-۱۲۴۵ ق)، نگاشته علیرضا بن محب علی بهبهانی (سده ۱۲-۱۳ ق)، به کوشش سیدمحمد طباطبایی بهبهانی (منصور)، ص ۴۰۵-۴۲۰.

رساله ای ارزنده است که تک نسخه آن در کتابخانه شخصی مرحوم سلطان علی خان سلطانی بهبهانی (۱۳۴۸ ش) نماینده مردم بهبهان و کهگیلویه در مجلس شورای ملی نگهداری

می شده و اکنون نزد دکتر علیرضا شیخ الاسلامی استاد دانشگاه آکسفورد است.

- بدایع الانساب فی مدفن الاطیاب، نگاشته مهدی بن مصطفی لاهوتی تفرشی مشهور به بدایع نگار (۱۲۷۹ ق-۱۳۲۰ ش)، به کوشش میرهاشم محدث، ص ۴۲۱-۴۸۲.

رساله ای است در بیان مدفن برخی از سادات و امامزادگان به زبان فارسی که بدایع نگار تفرشی، صاحب آثار فراوان دینی و ادبی، آن را در سال ۱۳۵۰ ق نگاشته است. اگرچه در مقدمه مختصر مصحح به این قضیه اشاره ای نشده است، اما گویا اساس چاپ حاضر را نسخه چاپی همین رساله در ۱۳۱۹ ش تشکیل داده است (۴).

- ماجرای یورش های نایب حسین کاشی و فرزندش ماشاءالله خان به خوریابانک، نوشته مرحوم علی اکبر افسر یغمائی (۱۳۲۴ ق-۱۳۵۳ ش)، به کوشش سیدعلی آل داوود، ص ۴۸۳-۵۵۲.

دفتر چهارم از یادداشت های مرحوم افسر یغمایی است که اکنون نشر می یابد و نسخه اساس منحصر به فرد آن نزد فرزندش آقای منوچهر یغمایی ساکن شهرری است. مصحح امید داده است که بقیه دفاتر این یادداشت ها نیز تا آینده نزدیک، مهیای چاپ شود.

- منهج البحرین فی تطبیق العالمین، نگاشته میرزا حسن قمی (حدود ۱۰۴۵-۱۱۲۱ ق)، تصحیح علی صدرایی خویی، ص ۵۵۵-۶۰۶.

رساله مختصری است در تطبیق عالم انسانی با عالم کبیر که میرزا حسن بن عبدالرزاق لاهیجی گیلانی قمی آن را در سال ۱۰۷۰ ق نگاشته و اکنون بر اساس دو نسخه یافت شده از اثر تصحیح و منتشر شده است. از این حکیم روزگار صفوی نخستین بار رساله ای در منتخباتی از آثار حکمای ایران توسط مرحوم سیدجلال الدین آشتیانی نشر یافت. او صاحب آثار بسیاری است که در مقدمه مفید مصحح بر شمرده شده است. مقبره میرزا حسن لاهیجی قمی، اکنون در قم و در تقاطع خیابان ارم و چهارمردان روبروی بازار کویتی ها قرار دارد که پیش از این جزوی از قبرستان اطراف حرم حضرت معصومه (س) بوده است.

- طبایع الحیوان الناطقة (باب اسرار صنعت نیرنجات)، منسوب به هرمس الهرامسه، ترجمه مترجمی ناشناخته (در سده ۷ ق)، به کوشش یوسف بیگ باباپور، ص ۶۰۹-۶۴۰.

ترجمه رساله ای است از هرمس که تک نسخه باقی مانده از آن، در سده هفتم کتابت شده و البته از مترجم آن در این نسخه

یادی نشده است؛ با این حساب، مصحح زمان ترجمه را هم سده هفتم حدس زده است. مقدمه طویل مصحح به گردآوری اقوال، راجع به هرمس های سه گانه تاریخی تمدن غرب صرف شده است، حال آنکه در این موارد بیان ویژگی های زبانی ترجمه ضرورت بیشتری دارد. نشر این اثر از هر جهت ارزنده است.

- المجله فی الموسیقی، نگاشته فتح الله شیروانی (۱. ظ: شیروانی) (حدود ۸۲۰-۸۹۱ ق)، تصحیح سیدمحمدتقی حسینی و علی قرانی، ص ۶۴۱-۷۴۰.

این رساله یکی از چند اثر عربی این مجموعه است که توسط دانشوری از عصر تیموری و دانش آموخته توس و سمرقند نگاشته شده است. از قرار معلوم وی پس از بازگشت به شروان در سال ۸۴۵ ق به بلاد عثمانی می رود و در سال ۸۵۷ ق رساله حاضر را در بورسه ترکیه به نام سلطان محمد فاتح (۸۵۵-۸۸۶ ق) می نگارد. به نوشته مصحح فاضل این رساله، از این اثر سه نسخه موجود است که شامل دو تحریر در آن می شود و در این مرحله فقط تحریر کهن تر عرضه شده است. وی اظهار امیدواری کرده است بعدها تحریر دوم نیز بر اساس نسخه بریتانیا نشر یابد. اساس تصحیح و تحریر حاضر بر مبنای نسخه کتابخانه توپقاپوسرای ترکیه است.

- تحفة الانوار، نگاشته عنایت الله بن میرحاج هروری (سده ۱۱ ق)، تصحیح سید محمدتقی حسینی، ص ۷۴۱-۷۶۶.

تصحیح رساله ای مختصر در موسیقی به زبان فارسی است که از روی تنها نسخه شناخته شده آن در بادلیان آکسفورد صورت گرفته است.

- مقاله فی احکام النظر فی کتف الشاة، منسوب به شیخ بهاءالدین عاملی (۹۵۳-۱۰۳۰/۱۰۳۱ ق) (البته ۱۰۳۰ ق درست است)، به کوشش یوسف بیگ باباپور و فضل الله رضوی پور، ص ۷۶۷-۷۷۸.

رساله ای است منسوب به شیخ بهایی که از روی تنها دست نویس باقیمانده از آن در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد مورخ ۱۱۱۷ ق (کتابت شده از روی خط شیخ بهایی) تصحیح شده و موضوع آن، علوم غربیه و کیفیت نگریستن بر کتف گوسفند و احکامی است که قداما بدان معتقد بوده اند.

- رساله در باب تهیه انواع مرباها و حلواها، نگاشته مؤلفی ناشناخته، به کوشش مهبانو علیزاده، ص ۷۷۹-۸۳۰. یکی از معدود رساله هایی است که در این موضوع از ادوار قدیم به دست ما رسیده است. مبنای تصحیح رساله، نسخه منحصر به فرد ۸۳۸- طباطبایی در کتابخانه مجلس است که احتمالاً پیش از عصر

صفوی کتابت شده است. این رساله دارای چهار فصل است: ۱. در مرباهای؛ ۲. در ساختن حلواهای الوان (از جمله حلوائی سوهان)؛ ۳. در حلوائی عسل؛ ۴. در ساختن حلوائی دوشابی. - اجوبه المسائل الصالحیات، نگاشته شیخ بهایی (۹۵۳-۱۰۳۰/۱۰۳۱ ق)، تصحیح علی صدراپی خوبی، ص ۸۳۳-۸۷۶.

این رساله یکی از چند رساله ای است که شامل فتوهای شیخ بهایی و در پاسخ پرسش های فقهی (استفتاء) گروهی نگاشته شده است. اجوبه المسائل الصالحیات که اکنون تصحیح و منتشر شده است، مجموعه دوم پرسش های شیخ صالح جزائری و پاسخ های شیخ بهایی است. طبق اطلاع مصحح، مجموعه ای دیگر از این دست وجود دارد که شامل شصت سؤال فقهی شیخ صالح جزائری از شیخ بهایی است و بناست در مجموعه «میراث حوزه اصفهان» نشر یابد. مبنای این تصحیح بر دو نسخه (از میان دوازده نسخه ای که در همین مقدمه نام برده شده است)، استوار است که یکی در کتابخانه مجلس به شماره ۵۱۹۲ نگهداری می شود و دیگر به شماره ۱۲۴۵ - سنا در همان جا محفوظ است. البته دسترسی نداشتن به دو نسخه ۱۹۷۰۶ آستان قدس مورخ ۱۰۱۴ ق و ۲۲۲۱۱۴ همان جا مورخ ۱۰۳۰ ق نقص این تصحیح به شمار می رود. - رساله در نماز جمعه، نگاشته ملاحسن علی شوشتری (در گذشته ۱۰۷۵ ق)، تصحیح محمدحسین اسدی، ص ۸۷۷-۹۱۴.

رساله ای است به فارسی درباره حرمت نماز جمعه در عصر غیبت کبری که توسط ملاحسن علی شوشتری اصفهانی از فضلالی عهد شاه صفی صفوی و شاه عباس دوم نگاشته شده است. رویه رساله ملاحسن علی را ملا محمد طاهر شیرازی قمی (۱۰۹۸ ق) نوشته که آن نیز سالیانی قبل چاپ شده است. رساله حاضر بر اساس دو نسخه خطی مجلس شماره ۴۹۴۳ و آستان قدس شماره ۱۲۳۱ تصحیح شده است.

- رساله فی صلاة الجمعة، نگاشته سید محمد اسماعیل بن میر محمد باقر خاتون آبادی (۱۰۳۱-۱۱۱۶ ق)، تصحیح علی اسدی، ص ۹۱۵-۹۶۲.

این رساله عربی، در بیان وجوب تخییری نماز جمعه در زمان غیبت کبری به شرط حضور و وجود فقیه جامع شرایط فتواست که توسط سید محمد اسماعیل فرزند میر محمد باقر و از نوادگان میر عمادالدین محمد حسینی افضسی نگاشته شده و اکنون بر اساس یک نسخه خطی شناخته شده آن (نسخه مجلس

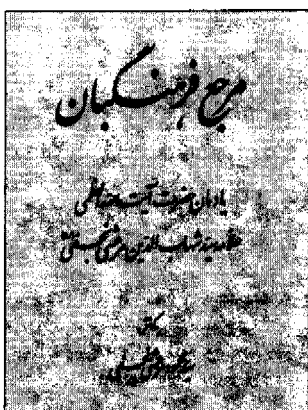
شماره ۳۰۵۲ کتابت سده ۱۱ ق) تصحیح شده است. - ردالمحباتیه (ردیه بر رساله محباتیه آقاباقر بهبهانی)، نگاشته میرزا محمد مهدی بن هدایت الله خراسانی (۱۱۵۲-۱۲۱۷ ق)، به کوشش صدیقه ابلق دار، ص ۹۶۳-۱۰۳۲.

آقاباقر بهبهانی رساله ای درباره حیل شرعی ربا و آنچه غیر مشروع است و مشروع پنداشته اند، نگاشته است. در همان عصر حیات او و پیش از درگذشتش (۱۲۰۵ ق)، میرزا محمد مهدی خراسانی معروف به شهید رابع که شاگرد آقاباقر بوده، بر این رساله استاد ردیه ای نگاشته است. تصحیح این رساله بر اساس یک نسخه خطی (نسخه مجلس شماره ۱۸۰۴) صورت گرفته است.

در پایان این دفتر، استدراکاتی بر دو رساله چاپ شده در دفتر نخست میراث بهارستان قرار گرفته است: یکی از بهروز ایمانی که استدراک بر تعلیقات رساله «ربیعیه و ریحیه» و مأخذیابی دو بیت فارسی آن است، دیگری از احسان الله شکراللهی که رفع اغلاط پرشماری است که بر رساله «کشف الحروف» راه یافته بوده است.

کریم کتابیار

مرجع فرهنگیان: یادمان حضرت آیت الله العظمی علامه سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ره)؛ به کوشش سید محمود مرعشی نجفی؛ چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۸ ش، (۷۱۰ + ۷۴۰ ص)، وزیری، ۱۰۰۰ نسخه، ۱۵۰۰ تومان.



مرجع فرهنگیان ۳۵ مقاله به زبان فارسی و عربی درباره آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی است. این مجموعه به مناسبت بیستمین سالگرد درگذشت ایشان به چاپ رسیده است. پس از مقدمه فرزند آیت الله مرعشی، مقالات آغاز می شود:

- «نگاهی به دریا از دور»، به قلم علی رفیعی علامرودشتی،

به زندگی نامه، تحصیلات، استادان، خدمات فرهنگی و اجتماعی، مبارزات سیاسی، سجایای اخلاقی، فضایل انسانی، کرامات، مقام علمی، آثار و فرزندان آیت الله مرعشی می‌پردازد.

- «کتایف و شان و کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی»،
خاطرات خواندنی دکتر سید محمود مرعشی نجفی با فروشندگان نسخه‌های خطی در شهرهای مختلف ایران و کشورهای خارجی است. این نوشتار پیشتر در کتاب کتاب فروشی یادنامه بابک فرزند استاد ایرج افشار به چاپ رسیده بود.

- «ملحقات احقاق الحق»، اثر محمد مرادی، بررسی تعلیقات آیت الله مرعشی بر احقاق الحق و ازهاق الباطل اثر قاضی نور الله شوشتری است.

- «سیره عملی و تبلیغی حضرت آیت الله مرعشی نجفی»، اثر علی رضا داوودی.

- «آیت الله مرعشی و امام خمینی»، اثر عبدالله اصفهانی.

- «جویبار عطوفت از قلّه معرفت»، به قلم غلامرضا گلی زواره، نگاهی است به زندگی آیت الله مرعشی با تأکید بر دوران کودکی و نوجوانی و روابط خانوادگی و اخلاقی ایشان.

- «درنگی در یک زندگی»، به قلم حسین رفیعی که کامل‌ترین مقاله درباره زندگی آیت الله مرعشی است و متن وصیت نامه ایشان را نیز در برمی‌گیرد.

مقاله بعدی با عنوان «گنجینه شهاب» نیز به قلم حسین رفیعی است که تاریخچه کتابخانه آیت الله مرعشی را از آغاز تا کنون بیان می‌کند.

- «الترجمة الذاتية»، زندگی نامه خودنوشت آیت الله مرعشی به زبان عربی است. ایشان در این زندگی نامه کوتاه، بیشتر به ذکر مشایخ و آثار خود پرداخته‌اند و در پایان، شرح حال پدر خویش را آورده‌اند.

- «مکاتیب المحفوظ»، نامه‌های مرحوم استاد حسین علی محفوظ کاظمینی به آیت الله مرعشی را در برمی‌گیرد. در ابتدا نیز شرح حال کوتاهی از دکتر محفوظ به نقل از مجله عالم الکتب آمده است.

- «سیره والدی»، به قلم دکتر سید محمود مرعشی است.

- «زیور دانشمندان»، باز به قلم سید محمود مرعشی است.

- «الشهاب الخالد فی ترجمة الوالد». سید عادل علوی نویسنده این نوشتار، آیت الله مرعشی را پدر معنوی و روحانی خود خطاب کرده است.

- «دانشنامه امامت به گزارش اهل سنت»، اثر محمد اسفندیاری به معرفی موسوعة الامامة فی نصوص اهل السنة می‌پردازد. این موسوعه، تدوین تازه‌ای از ملحقات احقاق الحق اثر آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی به شمار می‌رود که به تحقیق محمد اسفندیاری و دیگران در چهل جلد فراهم آمده است.

- «کارنامه سیاسی مرجع فرهنگبان»، اثر حسین رفیعی از مقالات بسیار مفصل این مجموعه است.

- «گزارشی از موسوعة العلامة المرعشی» به قلم حسین تقی زاده. موسوعة آیت الله مرعشی مجموعه‌ای است از آثار علمی ایشان در قالب تألیف، تصنیف، تحشیه و تقریظ و مقدمه در زمینه‌های فقه، اصول، کلام، تفسیر، اجازات، رجال، درایه، انساب، سفرنامه، تاریخ، تراجم و شرح حال که به زودی در بیست جلد به چاپ خواهد رسید.

- «عش آل محمد (ص)» اثر سید حسن فاطمی موحد به امامزاده‌های معتبر در قم پرداخته و آگاهی‌هایی از ۲۰۱ تن از امامزادگان ساکن و مدفون در قم ارائه داده است.

- «علم النسب من أبی طالب البغدادی إلی العلامة المرعشی». محمد کاظم محمودی کتاب‌های نسب را برمی‌شمارد و سپس به نسب شناسان قرن سوم تا دوران حاضر می‌پردازد. در این نوشتار، از ۳۳۷ کتاب نسب و ۴۲۷ نسب شناس یاد شده است.

جلد دوم با نامه آیت الله مرعشی به سعید نفیسی آغاز می‌شود. این نامه، شانزده استدراک بر کتاب شرح حال شیخ بهایی نوشته سعید نفیسی است. عبدالحسین طالعی این نامه را از کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به دست آورده و در این جا به چاپ رسانده است.

- «روایت عشق از علامه مجلسی تا علامه مرعشی»، نوشتاری کوتاه از عزیز الله عطاردی است که چند خاطره از آیت الله مرعشی را بیان می‌کند.

- «تعلیقه‌های آیت الله مرعشی بر عمدة الطالب» به قلم محمد مرادی. عمدة الطالب فی انساب آل ابي طالب اثر ابن عنبه (م ۸۲۸ق) از منابع مهم علم انساب و دانش تبارشناسی به شمار می‌رود. آیت الله مرعشی در طی سالیان، و به اندازه مطالب کتاب بر آن تعلیقه زده‌اند. این نوشتار به توصیف این تعلیقه‌ها اختصاص دارد.

- «دیدار دریا»، اثر حسین علی زاده گامی در بازشناسی ابعاد شخصیت و کارنامه علامه مرعشی نجفی است. علی زاده به بیان

خاطرات خود از ایشان می پردازد و در پایان می نویسد: «و هنوز این پرسش برابیم باقی است که چرا بزرگوارانی که عمری با آن نادره مرد، حشر و نشر داشته و یا از شاگردان او بوده اند، در این باره از خاطرات و یادهای خود کمتر نوشته اند و چرا هنوز بسیاری از جویندگان دانش و فضیلت، بزرگانی چون او را چنان که باید نمی شناسند؟! و به راستی مقصّر و مسئول کیست؟» (ص ۶۸).

- «باز خوانی تقریظهای علامه مرعشی نجفی»، به قلم سیدرضا باقریان موحد. تقریظنویسی بزرگان بر آثار نوقلمان، یکی از راه های تشویق پژوهشگران جوان است. تقریظهای آیت الله مرعشی افزون بر ستایش خادمان نشر، دربرگیرنده معرفی نویسندگان، اطلاعات نسب شناسی، کتاب شناسی و نقد و بررسی اثر است. در این مقاله پس از تبیین مفهوم تقریظ و مقدمه، اهمیت و ویژگی های فنی و علمی مقدمه ها و تقریظهای آیت الله مرعشی همراه با شاهد مثال، بیان می شود.

- «کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی و فهرست های دستنویس آن» به قلم حسین متقی. توصیفی از ۱۴۰ فهرست که به معرفی دستنویس ها و نسخه های خطی کتابخانه مرعشی پرداخته اند. بعضی از این فهرست ها به صورت مستقل و شماری از آنها در نشریات به چاپ رسیده اند. تعدادی از آنها نیز هنوز چاپ نشده اند.

- «سلوک عرفانی و اخلاقی آیت الله مرعشی نجفی»، اثر عبدالله اصفهانی است که از کمالات عرفانی و اخلاقی آیت الله مرعشی می نویسد و به ذکر شانزده تن از استادان اخلاق و عرفان ایشان می پردازد.

- «آیت الله العظمی مرعشی نجفی جامع معقول و منقول»، به قلم غلامرضا گلی زواره. سیری در زندگی نامه، خدمات فرهنگی و اجتماعی و اخلاق و رفتار آیت الله مرعشی است.

- «آیت الله میرزا محمدعلی شاه آبادی استاد عرفان آیت الله مرعشی نجفی». علی رضا داوودی در این نوشتار به سیره فردی، اجتماعی و آموزشی آیت الله شاه آبادی (۱۲۹۲- ۱۳۶۹ق) می پردازد و از تلاش های تبلیغی، مبارزات سیاسی و فضایل و مکارم اخلاقی او می گوید.

- «کتابخانه گران سنگ ایران زمین» اثر معصومه یزدان پناه از مراحل شکل گیری کتابخانه آیت الله مرعشی در قم می گوید.

- «دفتر یادبود کتابخانه»، به کوشش محمدحسین اوسطی تهرانی. یادداشت های شخصیت های بازدیدکننده در دفتر یادبود کتابخانه از سال ۱۳۴۴ ش تا ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است و در این جا یادداشت های بازدیدکنندگان در سال های ۱۳۸۶ تا

۱۳۸۸ می آید.

- «نظرة عابرة إلى موسوعة الإمامة في نصوص أهل السنة». محمدجواد محمودی که خود از دست اندرکاران تدوین موسوعة الامامة به شمار می رود، در این جا نظری گذرا بر این موسوعه افکنده است.

- «ذکریاتی مع آیت الله العظمی السید شهاب الدین المرعشی النجفی»، به قلم حسین شاکری. ابتدا سیری کوتاه در زندگی آیت الله دارد و سپس خاطراتی از ایشان نقل می کند.

- «از دفتر تاریخ»، گزیده اعلامیه های آیت الله مرعشی است.

- «به روایت اسناد». اسناد ساواک درباره آیت الله مرعشی است که د سال ۱۳۸۸ در تهران در سه جلد و در بیش از دو هزار صفحه به چاپ رسیده است. گزیده این سه جلد در این جا در صفحات ۴۰۵-۶۱۱ می آید.

- «کتاب شناسی مقالات درباره آیت الله العظمی مرعشی». ۹۵۹ مقاله درباره آیت الله مرعشی را در نشریات و مجموعه ها شناسایی و فهرست کرده است. کلمه «کتاب شناسی» در عنوان این مقاله زاید است.

- «راهنمای جست و جوی کتاب رنج و گنج». رنج و گنج کتابی است شامل تصویر دستنویس های شخصیت ها پس از دیدار از کتابخانه آیت الله مرعشی که از سوی همین کتابخانه و به کوشش دکتر مرعشی در سال ۱۳۸۶ به چاپ رسیده است. محمدجواد طالبی هنزایی در این جا راهنمایی از این کتاب به صورت جدول به دست می دهد. در ستون ها به ترتیب، نام و نام خانوادگی، سمت و کشور بازدیدکننده و آن گاه صفحه کتاب مذکور آمده است.

در پایان، خاطر نشان کنیم که اگر مقالات فارسی و عربی به صورت جداگانه می آمد، بهتر بود.

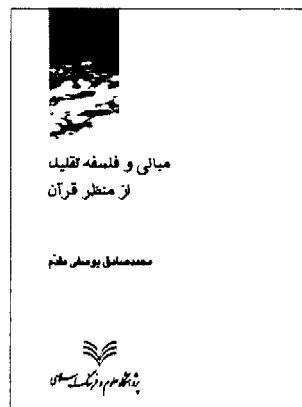
فهرست تفصیلی نیز برای مطالب پیش بینی نشده و در فهرست اجمالی، تنها نام مختصر مقاله و نام نویسنده آمده است.

از آن جا که بعضی از مطالب در این گونه یادنامه ها تکرار می شوند، فهرست موضوعی می تواند راهگشای خوبی باشد. همچنین تنها یکی از مقالات دارای چکیده است و دو مقاله، کلیدواژه دارد. اگر تمامی مقالات چکیده نویسی می شد، جاذبه این مجموعه برای جوانان و دانشگاهیان بیشتر بود.

محمد رضا زاهدوش



مبانی فلسفه و تقلید از منظر قرآن؛ محمدمصداق یوسفی مقدم؛
چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.



تقلید برای فهم درست احکام شرعی است و انسان را از خبط و خطا کردن دور می‌سازد؛ ضمن آنکه به رابطه عالم و مردم قدرت می‌بخشد و جامعه را دینمدار می‌سازد و از هر لغزشی مصون می‌دارد. این مهم باعث گردید حجت الاسلام محمدمصداق یوسفی مقدم به این موضوع از منظر قرآن بنگرد و مبانی و فلسفه تقلید را برای مخاطب روشن سازد. وی همه بحث و نظرش را در یک مقدمه و سه بخش می‌گنجاند.

نویسنده در مقدمه به جایگاه عقلایی و فطری تقلید در جامعه و نقش آن در ارتقای فکری و فرهنگی و تقویت رابطه مردم و عالمان دین می‌پردازد و در بخش اول (کلیات) با تبیین لغوی و اصطلاحی تقلید، بیان می‌دارد: تقلید مربوط به عمل مقلد است و آیات و روایات به این مطلب اشاره دارند و چون عقد قلب نوعی عمل شمرده می‌شود، تقلید در عقاید را جایز می‌شمارد، و در پیشینه تقلید می‌گوید تقلید و پیروی از افراد متخصص را روش جاری است. او به آیه «فاسئلو اهل الذکر» استناد می‌جوید و گوشزد می‌کند مردمانی از مکان‌های مختلف به نزد پیامبر می‌آمدند و احکام را از ایشان فرا می‌گرفتند و گاه پیامبر افرادی که برای آموزش احکام شرعی به سرزمین‌های اسلامی می‌فرستاد. در زمان اهل بیت (ع) نیز این روند ادامه داشت؛ ضمن آنکه گاه مردم از فقها تقلید می‌کردند. وی در ادامه می‌گوید: مردمان در زمان غیبت باید از فقیهان پیروی کنند، و گفته‌اش را به کلام امام (ع) مستند می‌کند: «اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا». بعد نگارنده این مطلب را می‌آورد که مسئله تقلید در میان اهل سنت رواج داشته و نگاهی به دوره خلفا و صحابه، دوره ظهور مذاهب فقهی و دوره عصر

مذاهب این سخن را تأیید می‌کند.

تقلید در عقاید، عنوان بخش دوم است و به اصول عقاید و عقاید مشروط اختصاص دارد. عقاید مشروط، عقایدی اند که در شمار اصول دین نیستند و اعتقاد به آنها هنگامی واجب است که مکلف به علم و یقین برسد؛ مثل اعتقاد به جزئیات قیامت. نویسنده می‌گوید برخی به تقلید در عقاید مشروط قائل اند، به شرط آنکه مقلد خبره و موثق باشد و برخی این تقلید را جایز نمی‌دانند و قوی‌ترین نظر در این گونه عقاید توقف است، اما برخی بر آن اند که باید از گمان و ظن در عقاید مشروط حذر کرد و آیاتی چون «لا تقف ما لیس لک به علم» را دستمایه سخن خویش قرار داده‌اند. اما تقلید در اصول عقاید موضوعی اختلافی است. به گفته مؤلف، برخی بر این گمان اند که این باورها به استدلال و تقلید نیازی ندارند؛ برخی تقلید در اصول عقاید را واجب می‌دانند، برخی گمان پیدا کردن در عقاید را به صورت مطلق کافی نمی‌دانند؛ در برابر برخی گمان به دست آمده از تقلید را کافی نمی‌دانند...؛ اما مشهور فقها و متکلمان بر این باورند که اعتقاد تقلیدی باطل است و لازم است اعتقاد به اصول دین یقینی و بر اساس استدلال باشد و برای اثبات ادعای خود به قرآن و حدیث و عقل و اجماع استدلال کرده‌اند.

اما آنچه این بخش را دلنشین کرده است، بحث و نقدی است که نویسنده ذیل برخی عنوان‌ها آورده است؛ مثلاً پس از آوردن سه دلیل برای نظریه وجود تقلید در عقاید، می‌گوید: استناد به آیه «ما یجدل فی آیت اللّٰه الا الذین کفروا...»: تنها کسانی در آیات خدا مجادله می‌کنند که کافرند، ناتمام است؛ زیرا منظور از حرام بودن جدال، جدال باطل است که مشرکان برای رویارویی با حق و محو آن به کار می‌گرفتند. یا ذیل این استناد طرفداران وجوب تقلید (علیکم بدین العجائز) می‌نویسد: این استدلال نادرست است؛ چون عبارت یادشده حدیث نیست و اگر حدیث هم باشد، استنادش به حضرت رسول (ص) مجهول است؛ شاید این عبارت به تعبیر در فروع دین نظر دارد، نه تعبیر در اصول دین. نگارنده این بخش را با این عنوان‌ها کامل می‌کند و پیش روی خواننده قرار می‌دهد: علل نکوهش قرآن از تقلید مشرکان، عوامل تقلید مشرکان از پدرانشان و استدلال‌های غیرقرآنی بر باطل بودن عقاید تقلیدی و مواردی که تقلید در آن جایز نیست.

نویسنده در بخش سوم (تقلید در فروع دین) اذعان دارد:

مشهور علماست که مقلد در فروع دین می تواند از اهل فتوا تقلید کند: انبیا، پیامبر خاتم، اهل بیت و فقیهان. اما سؤال است که مقام افتای اهل بیت (ع) و فقها بر چه استدلالی استوار است؟ نویسنده معتقد است: قائل شدن به این مقام برای ائمه (ع) به پشتوانه آیات و روایات و سیره عقلا و استصحاب است؛ مثلاً آیه «انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» به این مقام تصریح دارد؛ چون اهل بیت را پاکیزه از هر پلیدی دانسته و چون ایشان به چنین ویژگی ای آراسته اند، نظر نادرست و ناپسند نمی دهند و همین سخنان و سیره اهل بیت (ع) مانند کلام و سنت رسول الله (ص) اعتبار و حجیت موضوعی دارد یا حدیث سفینه (ان مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها نجا و من تخلف عنها غرق) این مطلب را صحت می گذارد. طبق این حدیث روشن است که فتوای آنان مطابق حق خواهد بود و عمل به احکامی که اهل بیت (ع) حکم کرده اند، سبب نجات انسان خواهد شد.

نگارنده پیش از اثبات مقام افتای فقها، مخاطب را به چهار نکته توجه می دهد: تعطیل ناپذیری شناخت و عمل به احکام، پیچیدگی شناخت احکام، راه های عمل به احکام شرعی، بطلان عمل بدون تقلید. سؤال این است که راه های عمل به احکام شرعی کدام است و بطلان عمل بدون تقلید یعنی چه؟ نویسنده راه های عمل به احکام را به اجتهاد و احتیاط و تقلید منحصر دانسته است و در بطلان عمل بدون تقلید گفته است: «در گذشته روشن شد که در ضروریات اسلام مانند وجوب روزه و نماز، تقلید راه ندارد و همچنین اگر مکلف از راهی به حکم خدا آگاهی پیدا کرد، باید به آنچه علم پیدا کرده، عمل کند و اما در غیر موارد یادشده، باید تقلید کند. اکنون اگر مکلفی عملی را که نه از ضروریات است و نه به آن علم دارد، بدون تقلید انجام دهد، از نظر فقه چه حکمی دارد؟ فقیهان معتقدند کسی که مجتهد نیست و احتیاط نمی کند، اگر کاری را بدون تقلید انجام دهد، آن کار باطل است».

بعد به دلایل مشروعیت تقلید از فقیهان اشاره می کند: قرآن، روایات، حکم فطرت، سیره متشرعه، حکم عقل و اجماع. نویسنده در ادامه به شرایطی می پردازد که یک مفتی و مقلد باید داشته باشند. شرایطی که برای مفتی برمی شمرد، عبارتند از: علم و فقهات، هدایت یافتگی و هدایتگری و اعلمیت و حیات. اما شرایطی که برای مقلد ذکر می کند، از این

قرار است: بلوغ، عقل، ایمان و اسلام، آگاهی نداشتن. اما سؤالی که نویسنده در پاسخ به آن برمی آید، این است که آیا جوازی بر تقلید از فقیه وفات یافته وجود دارد یا نه، و در پاسخ از اطلاق آیات و سیره عقلا و استصحاب، یاری می جوید.

در آخر نویسنده درباره تقلید از چند متخصص، می نویسد: اگر فقیهان در دانش استنباط مساوی باشند، همان گونه که مقلد در پیروی از هر یک مخیر است، اختیار دارد از هر کدام در بخشی از احکام پیروی نماید؛ البته تقلید از فقیه پارسا تر واجب است و اگر دو فقیه در اجزای یک عمل اختلاف داشته باشند، نمی توان در آن عمل از آن دو تقلید کرد. در مواردی که فقیهان در فتوا اتفاق دارند، مقلد می تواند از جمع آنان تقلید کند. اگر همه فقیهان مجتهد مطلق هستند، اما هر یک از آنان به دلیل ملازمت و سر و کار داشتن با واقعیت و موضوعات عرفی، با تحقیق و تدریس، در بخشی از احکام شرعی تخصص بیشتری یافته است، مقلد باید از هر کدام در همان بخش تقلید نماید.

دلایل اعتبار تقسیم تقلید میان چند اعلم و نظریه جایز نبودن تقلید در احکام عملی، عنوان هایی است که کتاب با آنها پایان می گیرد.

عباس جباری مقدم

